

زیر آسمان فیر وزمای

جشنواره یرتغال میزبان اصغر فرهادی و «سدمعبر» ایران

● جشنواره فیلم «اسپینو» در پرتغال میزبان اصغر فرهادی، کارگردان سرشناس ایرانی و فیلم «سدمعبر» محسن قرانی می‌شود. چهاردهمین جشنواره کارگردان‌های جدید فیلم‌های جدید اسپینو از ۲۸ خرداد تا ۴ تیرماه (۱۸ تا ۲۵ ژوئن) در کشور پرتغال برگزار می‌شود و طبق اعلام «سینه‌ایران» فیلم سینمایی «سدمعبر»، ساخته محسن قرانی، در بخش مسابقه این جشنواره موسوم به «سیاگوش طلایی» حضور دارد که ویژه فیلم‌های اول و دوم کارگردان‌هاست.اصغر فرهادی، کارگردان سرشناس سینمای ایران و کارگردان «گذشته»، «جدایی نادر از سیمین»، «فروشنده» و کارگردان برگزیده اسکار نیز در این جشنواره کارگاه آموزشی برگزار می‌کند.

نثر فارسی در سپهر سیاست

● ادبیات هر سرزمین از آداب و فرهنگ و رسوم آن سرزمین ریشه می‌گیرد و آن را در خویش می‌نماید. به بیانی دیگر برای فهم ادبیات یک کشور باید رونگردهای فرهنگی و دینی آن را بازکاوی و رابطه آن را با مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بررسی کرد. بررسی رویکردهای برون‌متنی، درون‌متنی و بینامتنی به معنای بررسی تمام عوامل فکری و لفظی تأثیرگذار بر نثر فارسی پس از اسلام است. مهم‌ترین مانی و محورهای سیاسی و اجتماعی و دینی که موجب دگرگونی نثر فارسی، به‌ویژه نثرهای تاریخی و عرفانی شده کدام‌اند؟ کتاب «نثر فارسی در سپهر سیاست» تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد.

نشست هفگی شهرکتاب در روز سه‌شنبه، ۲۲ خرداد، ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «نثر فارسی در سپهر سیاست»، نوشته دکتر مریم صادقی، اختصاص دارد که با حضور دکتر عیسی امن‌خانی، دکتر محمد کمالی‌زاده و دکتر مریم صادقی در مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نشن کوجه سوم برگزار می‌شود. این نشست با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برگزار می‌شود.

زیبایی‌شناسی خلأومعماری: درآمدی بر زیبایی‌شناسی «نساختن»

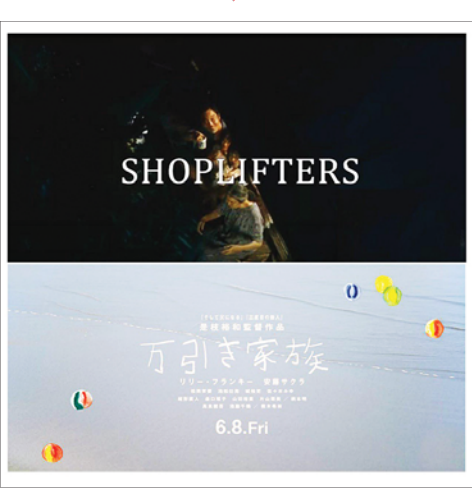
● اگر بر پایه ریشه‌شناسی زبان‌شناختی به معماری و درکی که از آن در ذهنیت عمومی یا حتی نزد بسیاری از متخصصان وجود دارد، بنگریم، باید از هنر ساختن سخن بگوییم؛ تعبیری تئولوژیک از تبدیل «هیچ» به «چیز» (ex nihili) یا تعبیری فناوریانه (techné) در دگرگون‌کردن یک «چیز» به «چیز» دیگر. این معنی را در ریشه یونانی - رومی واژه «آرشیستیک» (استاد سازنده) و بریاکننده یک «سربانه» و در واژه «معمار» خود بازمی‌یابیم. بنابراین در زنجیره‌ای که می‌توان در میان مفاهیمی مانند «خلأ»، «سکوت»، «سکون»، «تاریکی» و… ارائه داد، زنجیره «آکندگی»، «صدا»، «حرکت» و «روشنایی» در سطح نخست تبدیل، یک رابطه ساختاری را تعریف خواهند کرد که در دو سویش منفی و مثبت را قرار داد. تعبیر این دیالکتیک در انسان‌شناسی، وجود حس‌ها (استتیس به معنای حسن‌داشتن در ریشه زیبایی‌شناسی) در برابر «بی‌حسی» (انستیزا در ریشه بی‌حسی) است: حس‌داشتن یا نداشتن، برانگیخته‌شدن یا نشدن، طعم زندگی یا بی‌تفاوتی مرگ که در تداوم نگاه انسان‌شناختی می‌توان به آن مفاهیم «زندگی زیستی» (حس‌های پنجگانه) در برابر «بی‌حسی» (فقدان حس‌ها) را مطرح کرد: ندیدن، نشنیدن، نبود طعم، بی‌حسی بساوبایی و بویایی، اما این دیالکتیک؛ چه از متون اساسی انسان‌شناسی حرکت کنیم (لوی استروس) و چه از تاریخ هنر، ما را در موقعیتی پارادوکسیکال قرار می‌دهد که نمی‌توانیم پاسخ روشنی به آن بدهیم. اینکه توزیع نظام‌های حسی، چه در بین پنج حس در همه انسان‌ها و چه در بین حس‌ها و روابط آنها در فرهنگ‌های مختلف، چه در روابط و تداوم‌ها و برساخته‌های ریشه‌گرفته از حس‌ها بر اصل تفاوت سامان می‌یابند و نه بر اصل انسجام: فرهنگ‌های شنیداری، دیداری، لامسه و… یکسان نیستند. «سکوت» نه در بین فرهنگ‌های مختلف، نه میان کنشگران مختلف یک فرهنگ، نه در زمان‌های مختلف و نه در مکان‌های مختلف، یک معنا ندارد و به یک صورت «خوانده» (شنیده) نمی‌شود؛ همان‌گونه که خلأ، تهی‌بودگی، سیاهی یا سفیدی مطلق چنین هستند. در تاریخ هنر نیز با این دیالکتیک نمی‌توانیم معنایی بر «هیچ‌بودگی» (rien) بگذاریم: از تابلوهای کاریمیر مالویچ و جنبش سوپرماتیسم روس، «چهارگوش سیاه بر زمینه سفید» (۱۹۱۵) و «چهارگوش سفید بر زمینه سفید» (۱۹۱۸) تا «نمایشگاه خلا ایو کلاین» (۱۹۵۸) تا قطعه «چهاردقیقه‌وسی‌وسه‌تانیه» جان کیچ (۱۹۸۹) و… ما همواره با ادراک مشترکی از فضا، از «بودن» و «نبودن» روبه‌رو می‌شویم که فراتر از تقابل ساختاری، بر راهی تخیل و آزادی اندیشه تأکید دارند: مالویچ بر راهی نقاشی از اشیا انگشت می‌گذارد؛ کلاین بر فضای خالی گالری نمایش به مثابه قدرت بالقوه‌ای که به [تصور] خلاقیت هنری امکان می‌دهد.

گفت‌وگو با مهدی طالقانی،

تایيوگرافيست فيلم «دزدان مغازه» و برنده نخل طلای کن

وقتی زیبایی مانع اطلاع‌رسانی است

ساسان گلنر



فیلم «دزدان مغازه» (Shoplifters) که عنوانش را «دله‌دزدها» نیز ترجمه کرده‌اند و عنوان فرعی «یک ماجرای خانوادگی» را بر خود دارد، ماه گذشته برنده جایزه نخل طلای هفتادویکمین جشنواره کن شد و به‌عنوان بهترین فیلم بر تارک معتبرترین جشنواره سینمایی جهان قرار گرفت.

این فیلم با مضمونی اجتماعی و داستانی دربارهٔ همدلی خانواده‌ای از سارقان خرده‌پا برای کمک به یک کودک خیابانی اثری است از هیروکازو کوره ادا، کارگردان مشهور ژاپنی که نگارش فیلم‌نامه را نیز خود برعهده داشته است. در میان اسامی عوامل تولید این فیلم یک نام ایرانی به چشم می‌خورد. مهدی طالقانی، تایيوگرافی این فیلم را برعهده گرفته؛ وظیفه‌ای که شاید بیش از بسیاری از جنبه‌های تولید این فیلم، به آشنایی با فرهنگ و تمدن ژاپن بستگی دارد. به همین مناسبت گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم با این گرافیست ایرانی ساکن ژاپن.

✂ **چطور شد که با این گروه کار کردید؟**

من از طریق دستیاران کارگردان به کمپانی‌های سازنده فیلم، از جمله فوجی تلویژن، AOI و GAGA معرفی شدم. این فیلم در توکیوی ژاپن فیلم‌برداری شد. گروه عکاسی و تبلیغات این فیلم به مدیریت ریوتو کاندو از دو سال قبل شروع به کار کرده بود تا هویت بصری فیلم را پدید بیاورد که برای اکران‌های ۱۳ ماه می در جشنواره کن، هشتم ژوئن در ژاپن، ۳۰ ژوئن در جشنواره فیلم تایلند در تایوان و بالاخره در پنجم جولای در هنگ‌کنگ آماده می‌شد. من در بخش تایيوگرافی بودم که بیشترین جلوه آن در حروف عنوان فیلم در پوستر فیلم نمایان است و به‌همراه این گروه برای دیزاین حروف در گرافیک فیلمی تلاش می‌کردم که نیازمند این بود تا تمام ۱۲۱ دقیقه ساخته‌شده از داستان «دزدان مغازه» را در



پوریا ذوالفقاری

اول اگر در گوگل نام محمدرضا شجریان را همراه عبارت «باغ هنر نیم» جست‌وجو کنید، نتیجه‌ای مثل «کنارکشیدن شجریان از باغ هنر نیم» و «باغ هنر بدون شجریان» پیش چشمانتان قطار می‌شوند. گزارش‌های فراوانی هم دربارهٔ چرایی به‌نتیجه‌نرسیدن پروژه و انصراف استاد آواز ایران پیدا می‌کنید که گزارش خبرگزاری ایسنا مفصل‌ترینشان است و در آن به فراهم‌شدن بودجه و خلف وعده برخی سازمان‌ها به‌عنوان دلایل اصلی این رخداد اشاره شده است. در این گزارش آمده که استاد شجریان می‌خواست «برای مردم این شهر یک آکادمی احداث کند که در آن نه تنها موسیقی و هنرهای دیگر تدریس شود، بلکه مرهمی باشد برای زخم عمیق بی‌همی»، خب نشد. حالا صادق زیباکلام هم در پاسخ به چرایی هزینه‌شدن مبالغی که مردم پس از زلزله سرپل‌ذهاب به حسابش ریختند، از مخالفت فرماندار این شهر برای آغاز ساخت «دهکده امید» خبر می‌دهد. مهدی اصلانی هم به‌عنوان نماینده نیکی کریمی، افتتاح قریب‌الوقوع خانه فرهنگ سرپل‌ذهاب را اعلام کرده است. غرض نیت‌خوانی نیست. قطعاً هر کسی با هر سکوت و در هر مقامی می‌خواهد به زلزله‌زدگان کمک کند و اهل فرهنگ خود را موظف به ایجاد رونق فضای هنری و فرهنگی مناطق آسیب‌دیده می‌دانند، ولی دمی بیندیشیم که باغ هنر و خانه فرهنگ و دهکده امید در فهرست نیازهای مردمی که سقف بر سرشان آوار شده و در کمتر از یک دقیقه خانه و زندگی و نزدیکانشان را از دست‌رفته دیده‌اند، چه اولویتی دارد؟ فراموش نکنیم دلیل تحریک احساسات ما پس از شنیدن خبر وقوع زلزله

خود بگنجاند و روایت کند.

✂ **ممکن است بیشتر دربارهٔ تایيوگرافی توضیح دهید؟**

تایيوگرافی در طراحی گرافیک شاخه‌ای است که با حروف و کلمات سروکار دارد و کاربرد آن ایجاد تأثیر بصری یا بیان تصویری به کمک کلمات است. آثار خلق‌شده در تایيوگرافی قبل از آنکه خوانا باشد، حاوی یک پیام تصویری است. بنابراین یک اثر تایيوگرافیک می‌تواند از مجموعه‌ای حروف و کلمات که درعین‌حال معنایی نیز ندارد تشکیل شده باشد. می‌توان گفت به مجموعه رفتارها و طراحی‌هایی که با حروف انجام می‌شود تا حروف و کلمات به وجه تصویری نزدیک شوند تایيوگرافی گفته می‌شود و این گرایش تحصیلی و تخصصی من بود.



در سرپل‌ذهاب چه خبر است؟

سلبریتی؛ کار واقعی، کار نمادین

فیلمی در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌چرخد که در آن مردی روی چادر همسر و فرزندش نفت می‌ریزد تا به آتششان بکشد. درک وخامت وضعیت روانی زلزله‌زدگان دشوار نیست و رسیدن به این واقعیت که کمبود امکانات اولیه و خلف وعده‌های دائم چه تأثیر ترسناکی بر این روان‌های ازم‌گسخته می‌گذارد، هوش چندانی نمی‌خواهد.

دوم نگارنده مدتی کوتاه از دوران سربازی‌اش را در سرپل‌ذهاب گذرانم. یادم هست که روزی در اسفند ۸۶ تعداد سرباز در اختیارم قرار دادند تا برای تبدیل بخشی از حیاط به باغچه‌زمین را بکنند. سربازان بیل‌کلنگ به‌دست هنوز به اندازه یک وجب خاک را

من می‌بایست داستان و مضمون و هرآنچه را که هیروکازو کوره ادا در فیلمش می‌خواهد بیان کند، با طراحی حروف آن نشان می‌دادم. برای دوزبان انگلیسی و ژاپنی، عنوان‌بندی و تیتراژ و همچنین لی‌اوت مناسب و حروف نیاز بود که در فیلم استفاده شود. فیلم خانواده‌ای در ژاپن را روایت می‌کند و پر از اتفاقات است: جزئیات، لحظه‌ها، نگاه‌ها و لیخندها. افرادی ترسیده و آسیب‌دیده در کنار هم که از قانون فرار کرده‌اند. باید حرفوی طراحی می‌شد که این خصوصیات را در خود داشته باشد و بیننده با دیدن آن در پوستر به یاد مفهوم فیلم و محتوا و قاب‌های فیلم حتی لحظات دزدی از فروشگاه و تمامی فرازو فرودها باشد و همچنین تمام هویت فیلم و معنای آن را دربر داشته باشد. سکانس‌هایی از فیلم را که مدنظر گروه بود دیدم و تایيوگرافی آن برای بخش گرافیک فیلم ساخته شد. ✂ **می‌شود لطفاً به نمونه‌ای خاص از کارتان در فیلم «دزدان مغازه» اشاره کنید؟**

در اصلی‌ترین بخش پروژه؛ یعنی لوگو تایپ (عنوان فیلم در پوستر)، عبارت Manbiki Kazoku و به معنای Shoplifting Family (خانواده دزدان مغازه) را با استفاده از خوشنویسی ژاپنی (کالیگرافی) انجام دادیم که پیشنهاد من به گروه بود و تأکیدم روی آن به دلیل لحن فیلم و معنای لغوی نام فیلم بود. دختری به خانواده‌ای دزد ورود پیدا کرده و تزلزل و ترس تمام هویت آن داستان است. استفاده از خطوط لرزان نشان‌دهنده ترس و اضطراب لحظات فیلم بود. در تایيوگرافی خوانابودن مهم است، زیرا اطلاع‌رسانی وجه بارز آن است، اما در خوشنویسی زیبایی در اولویت قرار دارد. ما می‌خواستیم لحن نوشتار را نه آنچنان رسمی انتخاب کنیم که قابلیت نشان‌دادن زندگی در یک خانواده را نداشته باشد و نه دست‌نویس به نظر برسد و زیبایی آن مانع اطلاع‌رسانی آن شود. در کنار این، سلیقه یک کارگردان کارآموده که دانش‌آموخته دانشگاه واسدا، قدیمی‌ترین دانشگاه ژاپن، واقع در محله شنجوکو است، مهم‌ترین معیار بود.

زیرورو نکرده بودند که انبوهی عقرب که زمستان را زیر خاک می‌گذرانند، بیرون آمدند. شانس آوردیم که از سردی هوا کرخت و کم‌توان بودند و سرعتشان کند بود. آن منظره این روزها و هم‌زمان با گرم‌شدن هوای سرپل‌ذهاب دوباره در ذهنم زنده شده و بر نگرانی‌ام می‌افزاید. آرزو می‌کنم کاش کاری جز نوشتن از من برمی‌آمد و نگرانی که خبرهای خزیدن مار در چادرها و گزیدن‌های عقرب و… در روزهای آینده آن‌قدر زیاد شود که حساسیت‌مان را به آنها از دست بدهیم. به خفته در جادری که شاید ساعتی بعد قربانی زهر عقرب شود، نمی‌توان وعده آموختن پیانو در خانه فرهنگ یا تمرین آواز در دهکده امید داد. از قدیم گفته‌اند شکم گرسنه ایمان ندارد. چگونه انتظار داریم مردمی گرسنه و آسیب‌دیده زیر هرم آفتاب و آگاه از هزار خطر در کمین و در رنج از بیماری‌های پوستی، ناگهان هوس هنرآموزی به سرشان بزنند؟ با نهایت احترامی که برای هنرمندان و فعالان اجتماعی قائلم، فکر نمی‌کنم درک این نکته نیازمند نبوغ باشد. کافی است یک‌بار و یک لحظه خود را جای زلزله‌زدگان بگذاریم. دهکده امید و خانه فرهنگ و باغ هنر همان‌قدر می‌توانند مشکل زلزله‌زدگان را حل کنند که دیوار مهربانی توانست از پس واقعیت فقر در دیارمان بریاید. زلزله‌زدگان سرپل‌ذهاب را دریابید. تا اینجا نمره سلبریتی‌ها و هنرمندان و استاد علوم سیاسی دانشگاه که در روزهای فاجعه با کارت بانکی‌شان عکس گرفته‌ند و در صفحه‌هایشان گذاشتند، بالا نیست. دوباره می‌تویم؛ زلزله‌زدگان سرپل‌ذهاب را دریابید. برای انسانیت، با درک نیازهای اولیه، آنها را از خطرهای در کمین و خودتان را از مردودی برهانید. نام سرپل‌ذهاب را با عبارات و واژگان بیماری‌ی‌پوستی، خزندگان، عقرب و کودکان در اینترنت جست‌وجو کنید و به تصاویر خیره شوید تا قانع نشوید که الان زمان نکه‌داشتن پول در حساب برای انجام کارهای نمادین نیست، کاری واقعی بکنید.

نگاهی به نمایش «دَدِه‌خانم» به نویسندگی و کارگردانی جواد عاطفه

زندگی و رقص در آغوش مرگ!

مژده ایزد ـ پژوهشگر و متخصص روان‌شناسی

و آن این است که وقتی می‌خوایم، دیگر معنای ترس را نمی‌دانم. معنای رنج را. معنای سعادت را. خوش‌ان کس که به خوابی عمیق فرورفته است. خواب سکهای است که بهای هر چیز را می‌پردازد. ترازویی است که وزن همه آدمیان در کفه‌هایش یکسان است. فقیر و غنی و دارا و ندار و همه و همه ….

تهنایی
زنی که به‌ناچار از دنیای زندگان گریخته و به آرامش دنیای مردگان پناه آورده، بیشتر از دیگران، خود را درگیر اضطراب‌های وجودی کرده است؛ اضطرابی به‌ویژه در مورد مرگ و تنهایی. دده‌خانم تنشش را برایمان فراهم می‌کند «میان آگاهی از تنهایی مطلق و آرزویمان برای برقراری ارتباط، محافظت‌شدن و بخشی از یک‌بودن…»؛ یک‌بودنی که در پیوستن به خورشید، منع نور و روشنی و گرما و آسایش تجلی می‌یابد. تهنایی او همان‌طور که ارون یالوم روان‌شناس متبحر در روان‌درمانی اگزیستانسیال می‌گوید در سه بُعد است:

– «تنهایی بین‌فردی» که معمولاً به صورت جدالفاکتدی و بی‌کسی تجربه می‌شود. باورهای خرافی و ترس جلاله‌نه مردم این زن را به انزوای اجتماعی کشانده است.

– «تنهایی درون‌فردی» که زمانی اتفاق می‌افتد که فرد خواسته‌ها و احساسات خود را خفه کند. بایدها و اجبارها را به جای آرزوهایش بپذیرد، به قضاوت خود بی‌اعتماد شود و استعدادهایش را به بوته فراموشی بسپارد. دده‌خانم از این لحاظ، انسانی است از خود بیگانه و از درون خالی.

– «تنهایی اگزیستانسیال» که جدایی است میان فرد و دنیا، مرگ فرزند آخرین رشته پیوند او را با دنیا قطع می‌کند و او را به اعتراف وامی‌دارد که بگوید: «هستم، اما به روحت قسم نیستم».

ادامه دارد…

تماشاخانه

از تعطیلی اجراها در ایام شهادت تا پایان چند نمایش

مالی سویینی، آبلوموف و خاطرات هنرپیشه نقش دوم می‌مانند

● **گروه هنر:** در ایام شهادت امام علی (ع) به مدت پنج تا شش شب نمایش‌های در حال اجرا به صحنه نرفتند، اما پس از این موعد شاهد تداوم اجرای نمایش‌های «مالی سویینی» در تئاتر شهر، «آبلوموف» و «هنرپیشه نقش دوم» در تماشاخانه ایران‌شهر و «خدای کشتار» و «کمدی دیوتات» در تالار شهرزاد بودیم.

در مجموعه تئاتر شهر

نمایش «مالی سویینی» در حالی روزهای سیزدهم تا هفدهم خرداد به صحنه نرفت که شش نمایش دیگر تالارهای تئاتر شهر یازدهم خرداد به اجرای خود پایان دادند. نمایش «مالی سویینی» به کارگردانی مرتضی میرمنظمی از روز یکشنبه، ۱۳ خرداد، تا پایان روز پنجشنبه، ۱۷ خرداد، به مناسبت فرارسیدن سالروز رحلت امام خمینی (ره)، قیام ۱۵ خرداد، سالروز شهادت حضرت علی (ع) و شب‌های گرمی قدر در سالن اصلی تئاتر شهر به صحنه نرفت.

نمایش «پرواز به تاریکی» به کارگردانی افشین هاشمی در تالار چهارسو، نمایش‌های «تئاتر بازی» به کارگردانی ایلناز شعبانی و «ولایت» به کارگردانی بهنام احمدی در تالار سایه، نمایش‌های «نوبت یعنی بعدی» به کارگردانی مرتضی شاهرک و «روپای آمریکایی» به کارگردانی آیلین کیخایی در تالار نقشایی و نمایش «راس ساعت یازده» به کارگردانی محمد نژاد در پلاتو اجرا روز جمعه، یازدهم خرداد، به اجراهای خود پایان دادند.

در تماشاخانه ایران‌شهر

نمایش‌های «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» و «آبلوموف» به مدت پنج روز به صحنه نرفتند و دو نمایش «آبلوموف» و «آنتی‌گون» به‌ترتیب در روزهای پنجشنبه، ۱۰ و شنبه، ۱۲ خرداد، ساعت ۱۷ با اجرای ویژه به صحنه رفتند. نمایش‌های «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» به کارگردانی افشین زمانی و «آبلوموف» به کارگردانی سیاوش بهادری‌راد در سالن دکتر ناظرزاده‌گرمانی به مناسبت فرارسیدن قیام ۱۴ خرداد، سالروز وفات امام خمینی (ره) و شب‌های قدر از روز یکشنبه، ۱۳ خرداد تا پایان روز پنجشنبه، ۱۷ خرداد، در سالن دکتر ناظرزاده‌گرمانی به صحنه نرفتند. همچنین نمایش‌های «جوجه‌تیغی» به کارگردانی بهرام افشاری و «آنتی‌گون» به کارگردانی علی راضی که از ۱۶ اردیبهشت در سالن استاد سمندریان اجراهای عمومی خود را آغاز کرده بودند، به‌ترتیب در روزهای جمعه و شنبه، ۱۱ و ۱۲ خرداد، در این مجموعه تئاتری به پایان رسیدند. همچنین نمایش‌های «آبلوموف» به کارگردانی سیاوش بهادری‌راد و «آنتی‌گون» به کارگردانی علی راضی به‌ترتیب در روزهای پنجشنبه، ۱۰ و شنبه، ۱۲ خرداد در ساعت‌های ۱۷ با اجرای ویژه به صحنه رفتند. نمایش «جوجه‌تیغی» و «آنتی‌گون» طبق جدول زمان‌بندی این مجموعه به‌ترتیب در روزهای جمعه و شنبه، ۱۱ و ۱۲ خرداد، به اجرای عمومی خود پایان دادند. نمایش «مردشه» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی آسو بهاری که فرودین و اردیبهشت‌ماه در تالار مولوی به صحنه آمده بود، از ۱۸ خرداد، ساعت ۱۹ دوباره در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایران‌شهر اجرا شد. بازیگران این اثر نمایشی مجتبی فلاحتی، نسیم میرزاده، بهزاد خلیج و دنا تارفی هستند. آسو بهاری با اعلام این خبر به هنرانلاین گفت: «مردشه» در دور جدید اجراها تغییر نخواست و داشت و با همان بازیگران به صحنه خواهد آمد و تنها یک تهیه‌کننده به گروه اضافه خواهد شد. او درباره نگارش این نمایش‌نامه خاطرنشان کرد: از آنجا که نمایش‌نامه‌نویس هستم، سعی کردم به زندگی و اتفاقات اطرافم وقت کنم تا موضوع دراماتیکی برای نگارش در آنها پیدا کنم. همچنین اتفاقاتی که برای کردزبان‌ها در چهارکشوری که در آن سکونت دارند می‌افتد همواره برای من جذاب بوده و آن را از لحاظ تاریخی و مستند دنبال می‌کنم.

در تئاتر شهرزاد

نمایش «خدای کشتار» به نویسندگی یاسمینا رضا و کارگردانی علی سربانی، بعد از ایام شهادت و سوگواری از تاریخ ۱۸ خرداد در دو ستانس ۲۰:۳۰ و ۲۲:۳۰ به مدت ۱۵ شب در سالن شماره ۲ پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه خواهد رفت. این نمایش فقط تا اول تیرماه اجرا خواهد شد. ستانسن دوم نمایش «خدای کشتار» در ساعت ۲۲:۳۰ ویژه ایام ماه مبارک رمضان خواهد بود. نوید محمدزاده، ستاره پسانی، علی سربانی و مارال بنی‌آدم بازیگران نمایش «خدای کشتار» هستند. نمایش «عده‌های نشده» به کارگردانی محمد میرعلی‌اکبری از تاریخ ۱۸ خرداد در سالن شماره ۳ در ساعت ۲۳ روی صحنه خواهد رفت. ایسن نمایش ویژه ماه مبارک رمضان و عید فطر است. میرعلی‌اکبری پیش از این نمایش «پولانسکی» را در زمستان سال ۹۶ روی صحنه برده است. نمایش «بلافیگورا» به کارگردانی سعید دشتی که به مدت ۳۰ شب در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه رفته است، جمعه، ۱۱ خرداد، در سالن شماره ۱ این مجموعه به اجراهای خود خاتمه داد. از سوی دیگر نمایش «کمدی دیوتات» به کارگردانی اتابک نادری که دور تازه اجراهای آن آغاز شده است تا پایان ماه مبارک رمضان در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه خواهد رفت. این نمایش در نوروز ۹۷ با استقبال مخاطبان مواجه شد و در ماه مبارک رمضان به اجراهای خود ادامه خواهد داد.